

## یادی از مهرانگیز منوچهریان زنی از تبار آزادگان



\* امروز از بانویی یاد خواهیم کرد که در درازای زندگیش اندیشه ای نداشت جز آزادی زنان و سرنوشت کودکان ایران. این بانوی پر آوازه در زیر چتر پشتیبانی خاندان پهلوی از زنان، توانست کارهای بایسته ای انجام دهد که پیش از سامانه ی پادشاهی دودمان پهلوی انجام شدنی نبود.

\* این بانوی فرهیخته کسی نیست جز **مهرانگیز منوچهریان**.

- **مهرانگیز** در سال ۱۲۸۵ در **سیناباد** ( مشهد ) چشم به جهان گشود. نام پدر او **منوچهر** و نام مادرش **دره التاج** بود.
- **مهرانگیز** هشت ساله بود که خانواده اش از **سیناباد** به **تهران** کوچ کردند.
- **مهرانگیز** سال های نخست آموزشی خود را در خانه آغازیده بود. هنگامی که خانواده به **تهران** رسید، نام او را در دبستان **فرانسوی ژاندارک** نوشتند. او سپس در دبیرستان **فرانکو پرسیان** آموزش های خود را دنبال کرد.
- این خود نشانگر آن است که **مهرانگیز** در خانواده ای فرهیخته بزرگ شده و بخت این را داشته که از آموزش های بایسته برخوردار گردد.
- چنین خانواده ها و چنین فرزندان همیشه و همیشه در ایران ما بوده اند ولی در پی ناشایستگی فرمانروایان **قاجار** و چیرگی آخوندها، هرگز توان آشکار شدن را نداشتند. زیرا که آخوندها بر همه چیز چنگ انداخته بودند.
- اینکه **مهرانگیز** ها و فرزندان خانواده های فرهیخته ی ایران به دبستان ها و دبیرستان های فرانسوی می رفتند نشان از آن دارد که در **ایران** آن روزها آموزشگاهی در خور نبوده است.
- برای آموختن، تنها مکتب خانه هایی بوده که در آن ها آخوندها و یا ملاباشی ها آموزش می دادند و آموزشی که آنها می دادند خواندن قرآن بود و دیگر هیچ!؟
- بدینگونه بود که **مهرانگیز** بر زبان **فرانسه** چیره بود. او همیشه در کار آموزش یافتن، بویژه آموزش زبان **فرانسه** در میان بهترین شاگردان بود. چون **مهرانگیز** زبان **فرانسه** را خوب می دانست در سال های نوجوانی، توانست در همان دبستان **ژاندارک** به کار آموزش دادن زبان **فرانسه** سرگرم شود. **مهرانگیز** جز زبان **فرانسه**، زبان **انگلیسی** را هم به خوبی می دانست و زبان های آلمانی و عربی را هم می شناخت.
- \* سال ۱۳۳۴ خورشیدی بود که بانو **مهرانگیز منوچهریان** آزمون (کنکور) دانشکده حقوق را گذراند و بالاترین پایه را به دست آورد.

او از نخستین دانشجویان دانشکده ی حقوق بود.

- \* در سال ۱۳۴۱ بانو **مهرانگیز منوچهریان** دکترای خود را در رشته ی حقوق قضایی ( جزاء ) از دانشگاه تهران گرفت. او در آزمون پایانی برای گرفتن دکتری به بالاترین پایگاه دست یافت و با شاگرد نخست شدن مایه ی سرفرازی زنان ایران شد.
- درونمایه ی پایان نامه ی دکترای بانو **منوچهریان** جرائم اطفال - طرح تاسیس محاکم اختصاصی اطفال بود.

- بانو **مهرانگیز منوچهریان**، همه رویدادهای هازمان ( جامعه ) را با نگاه برابری زن و مرد می نگریست.
- او بر این باور بود که جانشین شاه، نمی باید سد در سد مرد باشد و بر این روند خرده های بسیار می گرفت. او سال ها این اندیشه را پی گرفت.
- هر چند شوربختانه کوشش های او به آنگونه که او می خواست برآورده نشد، ولی در پی همین کوشش های او، و به هنگام

نمایندگیش در مهستان (مجلس سنا) بود که داتی (قانونی) از مهستان گذشت و نیابت سلطنت به همسر پادشاه واگذار شد. این خود نشانگر آن است که در زمان دودمان پهلوی، به شایستگی زنان و کارآمدی آنان با دید تازه ای نگاه می شد.

\* یکی دیگر از خرده گیری های بانو مهرانگیز منوچهریان نابرابری دریافت مرده ریگ (ارث) زن و مرد بود. او در یک سخنرانی چنین گفت:

« اگر پیغمبری بر حضرت محمد ختم شده باشد، باید دانست که اصلاحات اجتماعی که مسیری مداوم و تکاملی دارد، نمی تواند بر او ختم شده باشد. در جهان امروز و شرائط حاضر دختران و پسران هر دو از نظر تعلیم و تربیت به یک نوع وسائل مادی احتیاج دارند ( مدرسه، درس، خواندن، بازی و تفریح و آموزش)، بدین خاطر ارث باید برای زن و مرد مساوی باشد.»

- بانو مهرانگیز منوچهریان در میان کسانی بود که در همان زمان از برگزیدن پولی به نام مهریه، برای تازه آروس، خرده گیری می کرد. او برگزیدن این پول را گونه ای خرید و فروش دختر و زن در ایران می دانست. به جای آن پیشنهاد می کرد که زن و مرد هر دو به یک میزان از دارایی خانواده بهره ببرند و زنان نیز بتوانند بازنشسته شوند.

### \* فرَنشین اتحادیه بین المللی زنان حقوقدان

- در سال ۱۳۲۸ بانو مهرانگیز منوچهریان نسکی نوشت که در برگزیده ی اندیشه ی برابری زن مرد بود. این نسک انتقاد، قوانین اساسی و مدن و کیفری ایران از نظر حقوق زن نام داشت. نا گفته پیداست که چاپ و پخش این نسک از برای درون مایه آش که جستارهایی را به میان می کشید برای او دردسرهایی پدید آورد.

- در سال ۱۳۳۲، این بانوی نستوه برای خود دفتر وکالت باز کرد. به گواهی همه ی دوستان و همکارانش زنانی که گرفتارهای گوناگون داشته و نیاز به رایزنی حقوقی پیدا می کردند، رو به دفتر بانو منوچهریان می آوردند و او همه ی کوشش خود را به کار می برد تا راه چاره ی درستی برای آنان پیدا کند.

\* بخش بزرگی از پایان نامه ی دکترای بانو مهرانگیز منوچهریان در باره ی جرائم اطفال بوده است. این جستار، دیگر جستارها را به کناری زده و بیشترین زمان بانو مهرانگیز منوچهریان را ویژه ی خود کرده بود. در میان همه ی دشواری ها، جستار طفل خارج از ازدواج بیشتر از همه، زمان او را می گرفت. او در یکی از نشست های جهانی که از سوی همه ی کشورها برپا شده بود، بر دات های (قوانین) بسیاری از آن کشورها، در باره ی کودکانی که بیرون از چهارچوب زناشویی، چشم به جهان می گشایند، خرده گرفت. او در میان سخنانش چنین گفت:

« در قانون بسیاری از کشورها، آنان را به ناحق فرزندان نامشروع، حرامزاده یا ولدالزنا می نامند. در حالی که کلیه اطفالی که به دنیا می آیند خواه از نکاح، خواه خارج از نکاح، مشروعند. طفل نامشروع نمی تواند وجود داشته باشد و کلمات موهن ولدالزنا، حرامزاده و نامشروع باید از کلیه قوانین حذف شود ...»

- در سال ۱۳۴۰ خورشیدی، بانو منوچهریان، اتحادیه زنان حقوقدان ایران را بر پا کرد

\* بانو توران شهریاری که خود ششمین دادگوی ( وکیل) زن در ایران می باشد، کارآموزی خویش را نزد بانو مهرانگیز منوچهریان گذرانیده، او در باره ی بانو منوچهریان چنین می گوید: « بانو مهرانگیز منوچهریان در دانشکده حقوق را بر روی زنان کشور و در نتیجه ممارست آن ها رشته ای به نام حقوق جزا به خصوص برای کودکان بزهکار در دانشگاه ملی ( شهید بهشتی کنونی) ایجاد شد و بانو منوچهریان اولین زنی است که در دانشگاه تهران حقوق ایرانی را خوانده بود.... بانو منوچهریان یک کتاب در انتقاد از قوانین به لحاظ حقوق زن به چاپ رساند که اولین کتابی است که یک زن حقوقدان نوشته است.»

- در سال ۱۳۴۰ خورشیدی اتحادیه زنان حقوقدان ایران را بانو منوچهریان بر پا کرد. این اتحادیه شاخه ی ایران اتحادیه بین المللی بود که با کوشایی بانو منوچهریان در ایران هم راه اندازی شد. بانو توران شهریاری این کار را بسیار مهم می شناساند.

- در بنیادنامه ( اساسنامه) این اتحادیه آمده که « هدف اتحادیه، تساوی حقوق زن و مرد بر پایه و اساس اعلامیه جهانی بشر و رعایت قانون اساسی کشور و سائر مصوبات قوه مقننه است. در باب عضویت افراد نیز اشاره کرده بود که تنها زنان و دختران دانشجوی رشته ی حقوق یا فارغ التحصیل از آن می توانند به عضویت اتحادیه در بیایند.»

- دست آورد این کار برپایی نشست جهانی زنان حقوقدان در ایران بود.

\* در آن سال ها شاهزاده اشرف پهلوی فرنشین سازمان زنان ایران بود. او بسیار کوشید تا پیوندی میان این اتحادیه و سازمان خود برپا کند. ولی بانو منوچهریان از این کار سر باز زد. چرایی این خودداری را هم اینگونه بازشکافی کرد که چون اتحادیه زنان حقوقدان ایران شاخه ای از اتحادیه بین المللی زنان حقوقدان می باشد، خواهی نخواهی نمی تواند از شاخه های نهاد دیگری باشد.

\* بانو مهرانگیز منوچهریان، از برای کوشش هایش در راه برابری زن و مرد، شادداد ( جایزه ) های بسیاری دریافت کرده است. از آن میان:

- در سال ۱۹۶۸ ترسایبی، شادداد صلح حقوق بشر سازمان ملل متحد،

- در سال ۱۹۷۱ ترسایبی شادداد صلح مرکز صلح جهانی از طریق حقوق.

\* از مستری ( سناتوری ) تا کناره گیری از مهستان ( مجلس سنا )

- از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۱۵، در زمان های چهارم تا ششم مهستان، بانو مهرانگیز منوچهریان هموند مهستان بوده است او از برگزیدگان پادشاه ایران، محمد رضاشاه پهلوی بود.

- مهستان شست نماینده داشت، سی تن از راه آراگیری از سوی مردم برگزیده می شدند و سی تن دیگر گماشته شده بودند.

- محمدرضاشاه پهلوی، هنگامی که پادشاه ایران بود دو نماینده ی زن را برگزیده و به مستری گماشته بود. این دو بانو یکی

مهرانگیز منوچهریان و دیگری

بانو فریبا داوودی مهاجر بودند.

- همکاران بانو مهرانگیز منوچهریان همگی گواهی داده اند که او

« از اندک نمایندگانی بود که بیشترین توجه خود را به مشکلات حقوقی زنان می کرد و تلاش می کرد دیگر سناتورهای مجلس را نیز به این مسائل حساس کند.»

- به گفته ی بانو داوود مهاجر قانون خانواده از سوی بانو منوچهریان به میان کشیده شد و با کوشش های خستگی ناپذیر او،

سرانجام در گزینستان ( مجلس

شورا ) پذیرفته شد.

- این دات ( قانون ) بیشتر در راستای برابری زن و مرد، گام برمی داشت. آنچه در این دات برگزیده شده بود چنین بود:

+ برابری حقوقی زن و مرد

+ حذف و اصلاح مواد مربوط به ارث، تابعیت، اقامتگاه، ازدواج، طلاق و .... در راستای پاسداری از حقوق زنان و با الهام از گزارشی بود

که دبیر کل وقت سازمان ملل متحد در باره ی حقوق زن و مرد ارائه کرده بود.

+ در سال ۱۳۴۲ متن ابتدایی این قانون ابتداء از طرف بانو منوچهریان به نگارش درآمد.

+ در سال ۱۳۴۶ بود که سرانجام این دات پذیرفته شد و در سال ۱۳۵۳ نیز یک بار دیگر به سود زنان دگرگونی هایی یافت.

\* خمینی از کسانی بود که به سختی با این دات سر ناسازگاری داشت. او پذیرفتن چنین داتی را نابودی زندگی خانواده ی

مسلمان می دانست. او گفته هم صادرکنندگان و هم اجراکنندگان این قانون در برابر سرعت گناهکارند.

\* در سال ۱۳۵۱ بانو مهرانگیز منوچهریان به نكوش از دات گذرنامه در مهستان ( مجلس سنا ) از کار کناره گیری کرد

( استعفا داد ) و با همه ی درخواست های گوناگون و خواست دربار نپذیرفت از کناره گیری کردن خود چشم ببوشد.

- قانون گذرنامه چنین بود: زنان می باید پروانه ی ( اجازه ) همسر را داشته باشند تا بتوانند به کشورهای دیگر بروند.

- بانو منوچهریان این دات را با ماده ی ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، که کشور ایران نیز آن را دستینه کرده بود، ناهمگون می دانست.

\* پس از کناره گیری کردن از مستری ( سناتوری ) در مهستان، به بانو مهرانگیز منوچهریان پیشنهادهایی، مانند وزیر

دادگستری، وزیر آموزش و پرورش، فرنشین دانشکده ی حقوق دانشگاه تهران شد، که او همه را پس زد.

\* پروین اردلان که روزنامه نگار و خود از کوشندگان حقوق زنان است در باره ی کناره گیری بانو منوچهریان از مهستان چنین

می نویسد:

« خانم منوچهریان به یکباره به سمت سناتوری نرسید. او قبل از رسیدن به مقام دولتی یک چهره ی برجسته ی حقوق بشر در

سطح بین المللی بود... زمانی هست که شما به منظور کسب قدرت سیاسی به دنبال پست دولتی می روید، شیوه ای که میان

دولتمردان و دولت زنان ایران در دهه های اخیر معمولاً بسیار رایج بوده است. اما مهرانگیز منوچهریان وارد سنا شد، چون می

خواست از ابزارهای همان چارچوب، به نقد و اصلاح چارچوب بپردازد. او در دوران سناتوری همواره منتقد باقی ماند و عملاً هم با

استعفاء خود در اعتراض به نابرابری قانون گذرنامه نشان داد که قدرت و منصب سیاسی برای او اولویت نیست.»

\* آزارهای پیوسته، پس شورش ۱۹۷۹ ترسای

- بانو **منوچهریان** پس از کناره گیری از کار در مهستان، بیکار ننشسته و کوشش های حقوقی خود را دنبال می کرد.
- به هنگام بالا گرفتن تب شورش ۱۹۷۹ ترسای او در آن هنگام کاری به کار کسی نداشت.
- ولی پس از برپایی **جمهوری اسلامی** یکی از کسانی بود که با کشتارها و اعدام ها سر ناسازگاری برداشت.
- در همه پرسى برای برپایی **جمهوری اسلامی** نام نویسی نکرد و به دات هایی مانند دورافکندن ( لغو) داوری زنان خرده گیری کرد.
- در چهارچوب **اتحادیه زنان حقوقدان ایران** از **حجاب اجباری** خرده گیری کرد.
- بانو **منوچهریان** برای پذیراندن دات **حمایت از خانواده خون دل خوردن های بسیار خورد**، که با آمدن **خمینی** بر سر کار، همه ی آنچه که کرده بود بر آب رفت و با دستور **خمینی** به دور ریخته شد.
- بانو **مهرانگیز منوچهریان** که از زنان **خستگی ناپذیر** و هوادار **برابری زن و مرد** بود، پس از شورش ۱۹۷۹ ترسای، نه تنها کارهای او را پاس نداشتند که هیچ، بارها و بارها به **بیدادگاه های جمهوری اسلامی** فراخوانده شد و در یکی از این فراخوان ها پروانه ی **کارگزاری (وکالت)** او برای همیشه **سُترده (باطل)** شد.

\* آزارها و ستم هایی که از سوی **جمهوری اسلامی** به بانو **منوچهریان** روا داشته می شد، همه بیشتر به یک کینه جویی

همانند بودند تا هر چیز دیگر. گناه او **آزادیخواهی** و درخواست **برابری زن و مرد** بود.

- در سال ۱۳۶۷ خورشیدی که او را دوباره به **بیدادگاه فرامی خوانند**، بر آن می شونند که همه ی دستمزدهای دریافتی خود را در **زمان مستری (سناتور)** از او پس بگیرند. در دادنامه ای که برای او نوشته بودند، چنین آمده است:

- « **نخش وی (دکتر منوچهریان)** در مصویات منتهی به آزادی و به فساد کشیدن زنان جامعه محرز بوده... و در پیاده کردن فرهنگ غربی در بین زنان ایران از طرق مختلف از جمله کتاب نویسی و ...»

\* این کوتاهواره ای از زندگی بانو **مهرانگیز منوچهریان** می باشد زیرا زندگینامه ی او بسیار بیش از این پُر بار است و در چنین نوشته هایی نمی گنجد. روانش شاد و راهش پُر رهرو باد.

\* بانو **مهرانگیز منوچهریان** در چهاردهم تیر ماه ۱۳۷۹ خورشیدی در **تهران** درگذشت و در **بهشت زهرا** به خاک سپرده شد.

گردآورنده : ژاله ( افتخار) دفتریان

تیرماه ۲۵۸۱ ایرانی

ژوئیه ۲۰۲۲ ترسای